

گزارش اندیشکده مقابله با فقر و نابرابری آموزشی از نظرسنجی «بررسی نگرش دانش آموزان، والدین، نیروهای آموزشی و کادر اجرایی درباره تأثیر قطعی معدل امتحانات نهایی در کنکور سراسری» مهرماه ۱۴۰۳

مصوبه «سیاست‌ها و ضوابط ساماندهی سنجش و پذیرش متقاضیان ورود به آموزش عالی (پس از پایان متوسطه)» در جلسه ۸۴۳ مورخ ۱۵/۰۴/۱۴۰۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. بر اساس ماده ۳ این مصوبه، سهم نمره کل سابقه تحصیلی برای پذیرش در سال تحصیلی ۱۴۰۱ با توجه به سابقه تحصیلی موجود و مرتبط، ۴۰ درصد با تأثیر مثبت و برای پذیرش از سال تحصیلی ۱۴۰۲ و بعد از آن، سهم نمره کل سابقه تحصیلی، با توجه به سابقه تحصیلی موجود و مرتبط، ۶۰ درصد با تأثیر قطعی در نمره کل نهایی و مابقی ۴۰ درصد سهم آزمون اختصاصی خواهد بود.

امتحانات نهایی در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ بر اساس این مصوبه اجرا شد. بنا بر اظهارات اعضای شورای انقلاب فرهنگی، «مصوبه کنکوری شورا مبنی بر تأثیر قطعی معدل در کنکور» سبب افزایش عدالت آموزشی شده است.

اندیشکده مقابله با فقر و نابرابری آموزشی در آغاز مهرماه، مصاحبه‌های فراوانی با افراد مختلفی که متأثر از این مصوبه بودند انجام داد. اندیشکده پس از انتشار نتایج آزمون کنکور و دریافت کارنامه، نظرسنجی حاضر را انجام داده و در آن تلاش نمود تا دریابد آیا این مصوبه موجب افزایش عدالت آموزشی گردیده و هدف اجرای این مصوبه محقق شده است؟

از ۵ مهر تا ۱۵ مهر در فاصله ده روز ۶۱۱۸ نفر از کل استان‌های کشور شرکت کردند. پاسخ‌دهندگان شامل دانش‌آموزان، داوطلبان پشت کنکور، والدین دانش‌آموزان، داوطلبان و کادر آموزشی و اداری مدارس می‌باشند. در این بین ۶۱٫۳٪ را زنان و ۳۸٫۷٪ مردان پاسخ داده‌اند. حدود ۴۸ درصد ساکنین مراکز استان‌ها و ۳۹ درصد شهر غیر از مرکز استان و ۱۳ درصد ساکنین روستاها بودند. حدود ۴۵ درصد پاسخ‌دهندگان داوطلبان پشت کنکوری هستند و پس از آن دانش‌آموزان پایه دوازدهم با ۳۰٫۸٪ قرار دارند. دانش‌آموزان پایه یازدهم و دهم ۲۱٫۲٪ پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند؛ و این نشان می‌دهد که این مصوبه بیشترین تأثیر را بر زندگی داوطلبان پشت کنکوری داشته است.

پس از بررسی ویژگی شناختی پاسخ‌دهندگان به سؤال مستقیم «تأثیر قطعی معدل بر افزایش عدالت آموزشی» پرداختیم. **۸۵ درصد اعلام نمودند که عدالت آموزشی برقرار نشده است.**

در این نظرسنجی از شاخص‌های دیگر عدالت آموزشی پرسش شده است از جمله سطح آموزش در کلاس‌های مدرسه که آیا تناسبی میان آنچه از دانش آموزان در امتحانات نهایی پرسیده شده و محتوای کتب درسی و آموزش‌های مدارس، بوده است؟ که ۹۲ درصد از آن‌ها سؤالات را دشوار و بسیار دشوار اعلام نموده‌اند؛ و تناسبی میان آنچه در کلاس درس آموختند با آنچه در سؤالات امتحانات نهایی با آن مواجه شدند، نمی‌بینند.

در نتایج سؤال دیگری، بیش از ۸۳ درصد دانش آموزان نمرات حاصل از دروس عمومی و اختصاصی را کمتر از حد انتظار خود اعلام کردند؛ بنابراین عدم تأثیر این مصوبه در ارتقای سطح آموزش و فرآیند یاددهی-یادگیری در دروس عمومی و اختصاصی دیده می‌شود.

نیک می‌دانیم که یکی از شاخص‌های عدالت آموزشی دسترسی یکسان همه دانش‌آموزان به محتوای علمی و همسان است. در مدارس محروم دسترسی به کتب کمک‌آموزشی، معلم‌های مجرب با مدارس برخوردار قابل مقایسه نیست.

یکی از مشکلات فعلی کاهش تعداد دانش‌آموزان خصوصاً در مناطق محروم در رشته‌های نظری می‌باشد، به گونه‌ای که خود به یک معضل تبدیل شده است، زیرا در آینده این مناطق را از نیروی انسانی ماهر فنی و متخصصین بومی تهی خواهد ساخت. وقتی دانش‌آموزان و معلمان اعلام می‌کنند ۸۳ درصد نمرات دانش‌آموزان کمتر از انتظار آن‌ها بوده است موجب گرایش زیاد دانش‌آموزان به سمت رشته‌های انسانی می‌شود و باعث توزیع نابرابر رشته‌ها در مناطق مختلف می‌گردد که خلاف عدالت است. این موضوع را ۵۰ درصد پرسش‌شوندگان تأیید نموده‌اند.

نکته دیگری که در برگزاری امتحانات دشوار باید خاطرنشان کرد این است که در این فرآیند معلمان نیز که نتایج سالانه دانش‌آموزان خود را می‌بینند از کار خود سرخورده شده و به سمت گرفتن پست‌های دیگری در آموزش و پرورش به‌جز تدریس روی می‌آورند یا با دادن نمرات مستمر غیرواقعی موجب قبولی دانش‌آموزان خردادماه می‌شوند. قرار دادن دانش‌آموز در این فضای نابرابر، احساس ناخوشایندی را از مدرسه برایشان ایجاد می‌کند.

ازجمله مقوله‌های مهمی که در این نظرسنجی به آن پرداخته شده است سطح انگیزه و استرس دانش‌آموزان و داوطلبان ورود به دانشگاه پس از اجرای مصوبه در این دو سال بوده است. زمانی که آزمون‌ها بسیار سخت برگزار شوند و این سختی طبق نظرات دانش‌آموزان در همه دروس می‌باشد، آن‌ها در مقابل این آزمون‌ها احساس ناتوانی نموده و انگیزه و اعتمادبه‌نفس خود را برای تلاش بیشتر از دست می‌دهند و گاهی هم به تقلب روی می‌آورند.

نکته دیگری که در نتایج این نظرسنجی قابل ملاحظه است: استرس به‌موقع رسیدن به حوزه‌های آزمون است. این امر برای دانش‌آموزان روستایی مسئله آفرین شده به‌طوری‌که خانواده آنان را برای تأمین هزینه‌های ایاب و ذهاب ۱۳ درس با مشکل مواجه ساخته است. به‌ویژه در مناطق جازموریان و سیستان و بلوچستان که در ۱۵ روز پایانی ماه به‌شدت با مشکل سوخت و کمبود شدید وسایل نقلیه روبرو هستند.

در مورد پدیده اضطراب هم نتایج این نظرسنجی افزایش شدید این پدیده را بیان می‌کند. پاسخ‌دهندگان به‌طور مستقیم اعلام نموده‌اند که اضطراب آن‌ها خصوصاً از تأثیر سوابق تحصیلی در سه پایه موجب انتقال استرس کنکور از پایه دوازدهم به دهم و یازدهم به مدت سه سال شده است که قبلاً در سال دوازدهم و یک سال متمرکز بود و این بار روانی زیادی را بر دوش خانواده و دانش‌آموز می‌گذارد و موجب فرسودگی عاطفی خانواده و نوجوان می‌شود. باید دانست نسل جدید که نسل زد خوانده می‌شود نسلی نیست که تاب‌وتوان نشستن و خواندن‌های طولانی کتب کمک‌درسی فعلی را داشته باشد و راه‌های دیگری از جمله ترک تحصیل را ترجیح می‌دهد آنچه که پرسش‌شوندگان تأیید نموده‌اند.